

## عنوان مقاله:

تاثیر معنادرمانی بر افسردگی زنان قربانی خشونت خانگی

## محل انتشار:

هفتمین کنفرانس بین المللی مطالعات جهانی در علوم تربیتی، روانشناسی و مشاوره (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 9

## نویسنده:

سمیرا بیابانی - دانش آموخته کارشناسی روانشناسی، آموزگار دبستان، آموزش و پرورش، استان قزوین، شهرستان آبیگ

## خلاصه مقاله:

هدف مطالعه حاضر بررسی و جمع بندی پژوهش های اخیر با موضوع معنا درمانی و افسردگی زنان خشونت خانگی و بررسی اثر بخشی معنا درمانی روی این افراد است. این پژوهش قصد دارد با مروری بر پژوهشهای صورت گرفته در این زمینه، روشها و نتایج موجود را با یکدیگر مقایسه نموده و نتایج حاصله را در قالب یک پژوهش مروری ارائه نماید. بر اساس یافته های این پژوهش، معنا درمانی یک رویکرد متکثر به مشاوره و درمان است که بر نیازهای اساسی انسان برای معنا و رابطه متمرکز است. افسردگی اساسی از شایع ترین و مزمن ترین اختلالاتی است که به درمان نیاز دارد. خشونت یک جنبه بسیار مهمی از عملکرد روان شناختی و زندگی اجتماعی انسان هاست که اثراتی عمده بر سلامت جسم و روان فرد پرخاشگر و قربانی دارد. خشونت خانگی با آسیبهای روانی و مشکلات شخصی عمده در زنان قربانی خشونت همراه است. نتایج بدست آمده نشان دهنده این است که بی توجهی به سلامت زنان و اعمال خشونت خانگی علیه آنان میتواند سبب پیدایش انواع بیماریهای روانی و حتی جسمانی گردد که این امر تهدیدی برای سلامت اعضای خانواده است. زنان نسبت به اعضای دیگر خانواده بیشتر در معرض خشونت به خصوص خشونت مردان هستند. لذا مهم ترین آسیبی که خشونت خانگی به همراه دارد ایجاد اختلال در عملکرد شناختی زنان قربانی خشونت است. خشونت خانگی به عنوان یک عامل استرس زای محیطی میتواند عملکردهای شناختی را تحت تاثیر قرار دهد. مطابق با نظریه یادگیری اجتماعی، رفتار شخص از طریق مشاهده و در طول جامعه پذیری والگوسازی شکل می گیرد، به نظر بندورا، فرزندان با مشاهده رفتارهای خشن و نامطلوب در خانواده یاد می گیرند که خشونت چیست و چگونه باید آن را به انجام رسانید، سپس این رفتار را در زندگی شخصی خود، حتی در زندگی زناشویی به احتمال زیاد پیاده می کنند.

## کلمات کلیدی:

معنا درمانی، افسردگی، افسردگی زنان، زنان قربانی خشونت، خشونت خانگی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/2011035>

